

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح تأسیس کانون داور»

طرح تأسیس کانون داورى که تحت شماره ۱۷۲۹ چاپ و پس از طرح در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی کلیات آن عیناً مورد تصویب قرار گرفته است قبلاً در قالب لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شده بود اما در مجلس به تصویب نرسید. با این حال، متن آن لایحه بدون تغییر ماهوی مجدداً در قالب طرح از سوی عده‌ای نمایندگان محترم وارد دستور کار مجلس شورای اسلامی شده است. هرچند توجه به داورى به عنوان طریق غیرقضایی حل و فصل اختلافات از نکات بارز این طرح است، لکن شیوه توسل به داورى در طرح حاضر مناسب به نظر نمی‌رسد و اشکالات زیر بر آن وارد است:

اولاً گرایش کل برنامه‌ریزان و مقنن در سال‌های اخیر واگذاری امور به مردم و تقلیل مداخلات دولت در اموری است که امکان انجام آن توسط مردم وجود دارد. همگان تأکیدات مکرر مسئولین از جمله مسئولین قوه قضائیه را در مورد اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی شاهدیم. هرچند این اصل ناظر به فعالیت‌های اقتصادی است لکن کوچک کردن دولت و واگذاری امور به مردم تنها محدود به گستره اقتصادی نیست. لذا تأسیس نهاد دیگری که لازمه آن ایجاد تشکیلات و پیش‌بینی تمهیدات از سوی قوه قضائیه است قابل توجیه نیست. در حال حاضر به موجب مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی طرفین امکان انتخاب داور و ارجاع دعاوی به داورى را دارند و برای نظارت و کنترل سازوکارهایی پیش‌بینی شده است. آرای داوران در موارد معین قانونی قابل ابطال نیز در محاکم دادگستری است. لذا، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مبنای ارجاع به داورى و انتخاب داور اراده طرفین است ضرورتی به اضافه نمودن تشکیلات عریض و طویل دیگری در کنار تشکیلات مربوط به شوراهای حل اختلاف وجود نداشته باشد.

ثانیاً اتخاذ تدابیر ترغیبی و تشویق برای ایجاد انگیزه در ارجاع دعاوی به داورى یا ایجاد انگیزه برای ایجاد مؤسسات خصوصی داورى راه حل اصلی تقویت این طریق حل و فصل اختلافات و دعاوی است. معافیت مؤسسات داورى از پرداخت هزینه‌های ثبت و مالیات و عوارض دیگر که در تبصره «۴» پیش‌بینی شده است از این قبیل تدابیر است که باید به آن اکتفا نمود و یا مشوق‌های دیگری به آن افزود ولی بسط تشکیلات قوه قضائیه موجب افزودن به مشکلات دستگاه قضایی است و کاستی‌های احتمالی نهادهای داورى را که اصولاً باید به بخش خصوصی مربوط باشد به حساب دستگاه قضایی و قوای عمومی کشور خواهد گذاشت.

ثالثاً امکان ثبت مؤسسات داورى در حال حاضر وجود دارد، اما امکان ارجاع به شخص حقوقی به عنوان داور تنها در قانون دادرسی تجاری بین‌المللی و در دعاوی تجاری که خصیصه بین‌المللی را حسب تعاریف مندرج در آن قانون دارد صریحاً پیش‌بینی شده است. قانون جدید در مورد داورى می‌تواند به نحو صریح این امکان را در دعاوی داخلی نیز پیش‌بینی کند.

با توجه به مراتب مذکور حذف کلیه ضوابطی که به دخالت قوه قضائیه در امر داورى منتهی می‌شود توصیه می‌شود. با وصف تصویب کلیات و در صورت تأکید بر حفظ ماده واحده در جریان شور دوم تبصره «۴» ماده واحده و امکان ارجاع دعاوی به اشخاص حقوقی و مؤسسات با محول کردن شیوه آن به آیین‌نامه اجرایی تنها بخش مفید طرح است که حفظ آن بی‌ضرر خواهد بود.